



رهنمون آموزشی حقوق زن
مجتمع جامعه مدنی افغانستان (مجما)
بخش آموزش های مدنی

به کمک مالی بنیاد آسیا

فهرست موضوعات

- پیشگفتار.....
..... ۳
- یکی دونکته با
آموزگار.....
..... ۶

بخش نخست

- یک دوره آموزشی چگونه تشکیل
میشود.....
..... ۸
- پلان یا برنامه
آموزشی.....
..... ۱۱
- نمایشنامه
کوتاه.....
..... ۱۵

بخش دوم

- از دواج
چیست.....
..... ۱۸
- حقوق زن از دیدگاه قانون اساسی و قوانین
مدنی.....
..... ۲۴
- حقوق زن در قانون اساسی
افغانستان.....
..... ۲۶
- حقوق زن در اعلامیه جهانی حقوق
بشر.....
..... ۲۷
- حقوق مدنی
زن.....
..... ۳۰

.....	• جایگاه زن در اسلام
.....	• حقوق زن در جامعه مدنی
.....	• ۲۸

بخش سوم

.....	• مشکلات و چالش ها در برابر زن
.....	• ۴۰

پیشگفتار

همه ء انسانها را خداوند از یک جوهر آفریده است . در آفرینش انسانها تفاوتی و امتیازی نیست. نه سپید را بر سرخ امتیازی است و نه زرد را بر سیاه . خداوند آدم را آفرید . آدم در باغهای بهشت تنها بود. نیمه یی از آدم تاریک بود . او را همزبانی نبود. خداوند هوا را آفرید و بدینگونه آدم از تاریکی و تنهایی رهایی یافت. با آفرینش هوا بنیاد خانواده پدید آمد . چنین است که گاهی در یک تعبیر شاعرانه بشریت را به پرنده یی همانند میکنند که یک بال آن را مرد و بال دیگر آن را زن تشکیل می دهد.

وقتی پرنده یی پرواز می کند دیگر نمی توان به این یا آن بال امتیازی قایل شد. چون هر دو بال با هم می زنند و پرنده کران تا کران را زیر پر می گیرد.

زن و مرد ، سیاه و سپید همه بنده گان اویند. همگان فرمان هستی از او یافته اند . هستی اوست و همه ء هستی از اوست و اوست که هستی می بخشد و اوست که میداند چگونه بیافریند. چنین است که انسان آینهء تجلی اوست. به گفته ء ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل:

هجوم جلوهء یار است ذره تاخورشید

به حیرتم منی بیدل ، دل از کی بردارم

در قرآن ، در عرفان و در تمام اندیشه های انسان محور ، زن و مرد هر دو با هم تکمیل کنندهء مفهوم انسانیت اند.

پروردگار عالمیان هر گاهی که در قرآن، انسان و مسلمان را خطاب می کند، این خطاب دربر گیرنده ء زن و مرد است.

انسانها با هم برابر آفریده شده اند ، اما این چگونه گی مناسبات اجتماعیت که بالا و پایین ایجاد کرده است.

انسان خود در درازای تاریخ چیز هایی آفریده است که بعد چنان زنجیری بر دست و پای انسان پیچیده و آزادی های او را سلب کرده و انسان را حتی گاهی به برده ء خود بدل کرده است.

از دوره های بسیار دور که بگذریم دیگر سراسر پهنهء تاریخ ، پهنهء کارزار خونین مردان بوده است.

چنین است که دانشمندی تاریخ در مشرق زمین را تاریخ مذکر خوانده است.

شاید این را بتوان امتیازی برای زنان دانست که از میان آنها نه فرعونى برخاسته است ، نه نمرودی ، نه ابوجهلی ، نه یزیدی ، نه سزاری ، نه چنگیزی، نه تیموری، نه هیتلری و نه استالینی و نه هم فاوستی ...

اگر تاریخ روایت دیوانه گی های اینان است بهتر است تا زنان در چنین تاریخی سهمی نداشته باشند!

اگر تاریخ مذکر زن را در پشت دیوار های سیاه تعصب قرار داد، در جهت دیگر سنت هایی دست و پاگیر که از آن سوی تاریخ می آیند نیز پیوسته هوای شفاف آزادی و برابری را برای زنان زهر آلود ساخته است.

این سنت ها در کشور ما گاهی چنان ریشه گسترانیده اند که با وجود نا هم آهنگی با احکام دین و شریعت کماکان به هستی خود ادامه می دهند . گاهی این سنت ها در نظر مردم آمیزه پی مذهبی یافته اند. در حالی که هر سنتی ریشه در مذهب ندارد. این نکته به جای خود قابل یاد گرد است که سنت های اجتماعی می توانند چنان پدیدهء مثبتی گام با گام با تحولات اجتماعی به پیش بروند.

در مقابل سنت های نکوهیده در جامعه نیز بسیار است که چنان قفسی پرنده ء خوشبختی انسانها و خاصتاً زنان را در خود زندانی ساخته اند.

سنت ها در یک جامعه بسیار سخت جان و سنگ شده به نظر می آیند. این امر سبب شده است که پیوسته جامعه آن را بدون هرگونه پرسشی بپذیرد.

چنان که شماری آماده گی آن را ندارند تا در جهت مخالف این سنت ها گامی به پیش بردارند.

در سنت های عقب مانده ء قبیلوی ، مشوره کردن پدر با دختر در مورد ازدواج نا ستوده تلقی می شود و حتی این امر شرمساری بزرگی به شمار می آید.

همه روزه شماری از دختران جوان قربانی خواسته های پدر یا برادر می شوند.

و به نام خانه ، بخت به خانه ، بدبختی های همیشه گی خود می روند.

تاریخ مذکر حتی آموزش را نیز بر اساس جنسیت تقسیم کرده است. مرد به مدرسه رفته و آموخته و در نهایت به علم و آگاهی دست یافته ؛ اما زن در چاردیوار خانه حتی آسمان را نیز در چاردیواری دیده است .

اگر نظام مرد سالار پیوسته زن را به عقب رانده ، ناآگاهی زنان خود نیز مصیبت دیگری بوده است که روزنه هر گونه تغیر در زنده گی آنان را بسته است.

احکام دین هیچگاهی در میان انسانها براساس جنسیت ، نژاد و زبان فرق نگذاشته است. سعدی نیز با الهام از همین تعلیم دین است که می گوید:

بنی آدم اعضای یکدیگر اند که در آفرینش زیک جوهر اند

این بنی آدم هر دو است : زن و مرد. افزون بر این در قانون های اساسی و قانون مدنی افغانستان گذشته از این که هیچگاهی تفوق و امتیازی برای مردان وجود نداشته ؛ بلکه در رابطه به یک سان بودن حقوق مرد و زن همواره تاکید شده است.

در قانون اساسی کنونی ۲۵ درصد مجلس نماینده گان یا ولسی جرگه به زنان اختصاص یافته است . با این حال افغانستان هیچگاهی در امر تامین حقوق زنان سابقه ، درخشانی نداشته است.

از ناآگاهی زنان در ارتباط به حقوق شان که بگذریم ، مردان نیز یا در زمینه آگاهی نداشته اند و یا هم اگر آگاهی داشته اند ، تفکر عقب مانده ، سنتی آنها را نگذاشته است تا در ارتباط به تامین حقوق زنان کاری انجام دهند.

در رهنمون آموزشی حقوق زنان تلاش شده تا حقوق آنان از منظرگاه های دین و قانون مدنی و قانون اساسی کشور مورد ارزیابی قرار گیرد .

می دانیم که بدون آگاهی نمی توان به کوچکترین حلی در مساله پی راه یافت. ما امید داریم که این رهنمون بتواند شهروندان ما را در رابطه به شناخت چگونه گی حقوق زنان کمک کند.

ما چشم به راه نظریات شما هستیم !

عزیز رفیعی

رئیس مجتمع جامعهء مدنی افغانستان

(مجما) یکی دو نکته با آموزگار

آموزگاران ارجمند!

زنده گی جریان بی پایان آموزش است. آن های که می آموزند، انسان های خوشبختی اند؛ اما آن ها یکه آموخته ها را به دیگران می آموزانند خوشبختتر اند.

روایت است که حرص حلال تنها حرص آموزش است! اما بلند ترین سخاوت، سخاوت آموختاندن است.

اساساً آموختاندن یک امر خداوندیست. آنگاه که حضرت جبرئیل در غار حرا به پیغمبر بزرگ اسلام بنا به دستور پروردگار می گوید که، ترجمه: بخوان به نام آنکه آفرید ترا از خون بسته! این خود آموزشی است که به دستور پروردگار عالمیان صورت گرفته است.

آن چه که در این رهنمون آموزشی گرد آورده شده است، عمدتاً به سه بخش دسته بندی میگردد.

نخست بخش رهنمایی آموزگار:

آموزگار باید به این بخش توجه کند و آن را با دقت بخواند.

برای آنکه در این بخش آموزگار فرامیگیرد که چگونه و با استفاده از چه مواد و شیوه هایی میتواند به آموزش بپردازد و چگونه آموخته های خود را به دیگران انتقال می دهد.

بخش دوم موضوع رهنمون آموزشی است که عبارت از (حقوق مدنی، حقوق زن از دیدگاه اسلام، حقوق زن در قانون اساسی، مشکلات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان در جامعه ما) میباشد.

در بخش سوم رشته مطالب و موضوعاتی که به موضوع رهنمون آموزشی رابطه دارد با استفاده از منابع با اعتبار گرد آوری شده است. این بخش میتواند آموزگار را کمک کند تا اطلاعاتی بیشتری پیرامون موضوع به دست آورد.

آموزگاران عزیز:

امروز شغل آموزگاری را آمیزه یی از علم و هنر دانسته اند. نخست این که آموزگار خود چیزی میداند که این مربوط به بخش علم آموزگاری میشود و دیگر اینکه آموزگار باید بتواند دانسته های خود را با موثر ترین شیوه به دیگران انتقال بدهد که این مربوط به هنر آموزگاری میگردد.

چیزی دیگری که در این زمینه مهم است، علاقه و شور درونی آموزگار است. ما به علم و هنر شما باور داریم و آرزومندیم که این علم و هنر با شور و اشتیاق درونی شما بیامیزد. شغل آموزگاری آن شغل مقدسی است که آموزگار آن را از پیامبران به میراث برده اند. اگر تونسوزی، اگر من نسوزم، اگر ما نسوزیم، پس این جهان تاریک را چه کسی روشن خواهد کرد!

پرتو نادری
مسئول بخش آموزشهای مدنی
(مجما)

بخش نخست

یک دوره آموزشی چگونه تشکیل می شود

آموزگار جهت تشکیل یک دوره آموزشی باید نکات زیرین را در نظر داشته باشد!

- شمار اشتراک کننده گان باید در میان ۲۰ - ۲۵ تن باشند.
- در هر دوره آموزشی دست کم باید دو آموزگار وجود داشته باشد.
- همه سامان وسایل آموزشی و مواد کمک درسی باید پیش از آغاز دوره آموزشی در صنف جا به جا گردد.

آغاز دوره آموزشی

- آموزگار در پنج دقیقه نخست باید در ارتباط به موارد زیرین صحبت کند.
- معرفی خود و خوش آمدید به اشتراک کننده گان
 - ارائه معلومات در ارتباط به اهداف دوره آموزشی

معرفی اشتراک کننده گان

- زمان : ۲۰ - ۳۰ دقیقه
- آموزگار باید از اشتراک کننده گان بخواهد که آن ها در معرفی خود این نکات را در نظر بگیرند؟
- نام
 - نام موسسه یی که در آن کار می کنند؟
 - وظیفه در موسسه ؟
 - عمده ترین علاقمندی شان در زنده گی چیست ؟

وسایل

- کاغذ و قلم

روش

در گام نخست اشتراک کننده گان دو دو تن خود را خاموشانه به یکدیگر معرفی می کنند، بعداً هر کدام باید طرف مقابل را به تمام اشتراک کننده گان معرفی کند.

چشمداشت اشتراک کننده گان از دوره آموزشی

زمان : ۱۵ دقیقه

آموزگار پیش از آن که از اشتراک کننده گان بخواهد تا توقع و چشمداشت خود را بیان کنند، او باید در رابطه به موضوعات زیرین سخنان فشرده یی بیان کند.

- هر فعالیت هدفی دارد.
 - هر فعالیت دست آوردی دارد و ما جهت رسیدن به آن به روش های مشخص و سامان و سایل نیاز داریم.
- آموزگار از اشتراک کننده گان می خواهد تا هر کدام به گونه انفرادی توقع خود را روی کارت های رنگه بنویسند، البته هر اشتراک کننده تنها یک توقع خود را باید بنویسد.

وسایل

- کارت های رنگه ۱۱ / ۲۲ سانتی متر به رنگهای گوناگون
- مارکر به رنگ های گوناگون
- سکاچ تیپ، قیچی

شرایط و قواعد دوره آموزشی

زمان : ۱۰ دقیقه

جهت پیشبرد بهتر و ایجاد فضای سالم آموزشی، آموزگار از اشتراک کننده گان می خواهد که از نظر آن ها چه شرایط و قواعدی در دوره آموزشی مراعات شود.

آموزگار باید نکاتی را که از سوی اشتراک کننده گان بیان می شود، روی تخته یا چارت بنویسد.

به گونه مثال : اشتراک کننده گان می خواهند تا موبایل ها خاموش ساخته شوند و یا هم تقاضا دارند که در جریان گفتگو ها به نظریات همه گان احترام گذاشته شود و مثال های دیگر...

اگر آموزگار فکر می کند که بعضی از قواعد و شرایط مورد نیاز در دوره آموزشی به وسیله اشتراک کننده گان بیان نشده است، در این صورت او می تواند به گونه مشوره یی، آن شرایط را یاد دهانی کند.

وسایل

- فلپ چارت
- مارکر
- سکاچ تیپ
- قیچی

روش

- ذهن انگیزی
- نظر خواهی

هدف دوره آموزشی

زمان : ۱۰ دقیقه

آموزگار در مورد هدف دوره آموزشی باید توجه کند که :
در هدف دوره آموزشی چه چیزی نهفته است و چرا نهفته است.
مثلاً : (بلند بردن ظرفیت اشراک کننده گان در مورد حقوق زن)
وابسته به جز (چه)ی هدف است، اما آموزگار باید بخش (چرا)ی
هدف را نیز مطرح کند که عبارت از (ایجاد فضای سالم سهم گیری
زنان در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه) است.
بنابراین هدف دوره آموزشی عبارت است از:

**بلند بردن سطح آگاهی اشراک کننده گان در مورد حقوق
زن، به منظور ایجاد فضای سالم سهمگیری زنان در امور
اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه.**

آموزگار جهت رسیدن به این هدف باید هم چنان مقاصد آموزشی
خود را مشخص کند. او باید مشخص کند که چه وقت و چگونه می
تواند به این هدف برسد.

مثلاً برای رسیدن به این هدف آموزگار باید مقاصد زیرین را در نظر
بگیرد:

مقاصد آموزشی

اشتراک کننده گان در ختم دوره آموزشی قادر خواهند بود تا :

- *- مفاهیم حق و حقوق بشر و حقوق مدنی را تعریف نمایند.
- *- مفاهیم نامزدی، ایجاب و قبول، ولی و ازدواج را تعریف نمایند.
- *- شرایط و ارکان ازدواج را نام ببرند.
- *- حقوق اساسی زنان را از دیدگاه اسلام و قانون اساسی کشور
بیان نمایند.
- *- حقوق مدنی زنان را در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی
و سیاسی شرح دهند.
- *- موانع و مشکلات عدم دست یابی به حقوق زنان را نام ببرند.
- *- دلایل منطقی را برای دفاع از حقوق ارائه کرده بتوانند.

پلان یا برنامه آموزشی

دانشمندان عرصه آموزش و پرورش باوردارند که هیچ آموزگاری بدون داشتن پلان یا برنامه آموزشی نمیتواند یک آموزگار موفق باشد، روی همین هدف ما در این جا پلان آموزشی را در رابطه به (حق ازدواج از دید گاه اسلام) برای آموزگار بگونه نمونه آماده ساخته ایم. آموزگار در بخش های بعدی میتواند مطابق موضوع بخش، خود یک چنین پلان آموزشی را بسازد.

پلان یا برنامه آموزشی
مدت ۱۲۵ دقیقه

موضوع : حق ازدواج از نگاه اسلام
هدف:

بلند بردن سطح ظرفیت اشتراك كننده گان در مورد ازدواج از نگاه اسلام تا آنها بتوانند از این حقوق به طور مؤثر استفاده نمایند.

مقاصد آموزشی :

اشتراك اشتراك كننده گان در ختم ساعت درسی قادر خواهند بود كه :

- احكام اسلام را در پیوند به شرایط ازدواج بیان بدارند.
- چالش های ازدواج را در رسوم و عنعنات کشور نام ببرند.
- ازدواج را تعریف نمایند.
- ارکان و شرایط ازدواج را نام گرفته هریک را تشریح کنند.

زمان	فعالیت ها	شیوه ها	مواد درسی
------	-----------	---------	-----------

<p>تخته، بورد ماکر، فلیپ چارت فلش کارت کارتهای ۱۱/۲۲ رنگه ملتی مد یا / کمپیوتر</p>	<p>پرسش و پاسخ</p>	<p>فعالیت نخست: آموزگاریا طرح این پرسش که : از نظر شما ازدواج چیست ؟ فعالیت خود را آغاز میکند و به هر اشتراک کننده یک فلش کارت و مارکر توزیع میکند تا آنها تعریف ازدواج را روی آن بنویسند. بعداً اشتراک کننده گان هریک تعریف را که نوشته اند میخوانند و آموزگار فلش کارت را روی تخته نصب می کند. پس از آن او خود با تأیید گفته های آنها تعریفی را که در باره ازدواج تهیه کرده است می خواند . انکشاف موضوع :</p>	<p>۱۵ دقیقه</p>
	<p>ک گروهی</p>	<p>فعالیت دوم: آموزگارا از اشتراک کننده گان میخواهد تا آنها شرایط ازدواج را بر مبنای رسوم و عنعنات پسندیده و ناپسندیده کشور در گروه های ۵-۶ نفری بر روی فلیپ چارت ها بنویسند. بعد از ختم کار گروهی سر گروهها نتیجه کار گروهی خود را به همگان ارائه می کنند. آموزگار پس از آن از اشتراک کننده گان می خواهد تا رسوم پسندیده و ناپسندیده را بطور جداگانه روی دیوار نصب کنند و توافق بالای رسوم پسندیده و ناپسندیده را با تفاهم اشتراک کننده گان کسب نمایند.</p>	<p>۳۰ دقیقه</p>
	<p>مناقشه بازی نقش</p>	<p>فعالیت سوم: آموزگار زمینه گفت و شنود و پرسش و پاسخ را بر موضوع فراهم می سازد.</p>	<p>۲۰ دقیقه</p>
<p>۲ نفر از اشتراک کننده ها متن پارچه</p>		<p>فعالیت چهارم: آموزگارا از دونفر از اشتراک کننده گان</p>	<p>۱۵ دقیقه</p>

<p>تمثیلی ضمیمه شماره (۱)</p> <p>ملتی مد یا / کمپیوتر</p>	<p>پیشکش</p> <p>نظــــر خواهی</p> <p>پرسش ویاسخ</p>	<p>تقاضا می کند تا مراحل عقد نکاح را که شامل نامزدی، ایجاب و قبول، گرفتن ولی، انتخاب شاهدان داشتن نکاح خط رسمی میباشد به گونهء تمثیل پیش ببرید. البته متن پارچه تمثیلی ضمیمه شماره (۱) پلان آموزشی است</p> <p>فعالیت پنجم:</p> <p>- در پایان پارچهء تمثیلی باید از تمام اشتراك کننده گان تقاضا شود تا باید روی مراحل عقد نکاح تبصره نمایند و آموزگار مواد آماده شده خود را جهت تکمیل نظریات ارائه نماید.</p> <p>- فعالیت ششم : ارزیابی</p> <p>آموزگار با طرح پرسشهایی در رابطه به مقاصد آموزشی باید فعالیت آموزشی خود را بر اساس پاسخ های اشتراك کننده گان ارزیابی نماید.</p> <p>- فعالیت هفتم :</p> <p>آموزگار پس از ارزیابی باید زمینه آنرا فراهم سازد تا اشتراك کننده گان آخرین پرسشها و دید گاه های خود را بیان کنند.</p>	<p>قیقه</p> <p>۲۰ دقیقه</p> <p>۱۰ دقیقه</p>
---	---	--	---

ضمیمه شماره اول

نمایشنامه کوتاه

موضوع : گفتگو در رابطه به نکاحنامهء رسمی وثبت آن به مرجع مربوطه

بازیگران : مادر پسر و مادر دختر
در دوره های آموزشی که زنان اشتراک نداشته باشند این نمایشنامه را مردان میتوانند در نقش پدر پسر و پدر دختر بازی نمایند.
هدف : آشنایی با چگونگی ثبت نکاحنامه در مرجع مربوطه دولتی.

نام ها :

مادر پسر : گل اندام

مادر دختر : گلچهره

پسر : گل احمد

دختر : گل بانو

جای : خانهء گل اندام

تک تک صدای دروازه حویلی بلند میشود. گل اندام در واژه را باز می کند و با خوشحالی با صدای بلند میگوید :

گلچهره - سلام گل اندام جان خوش آمدی بیاین، بیاین که امی چند دقیقه پیش همراهی پدر اولادها ده باره شما گپ میزدیم.

گل اندام : زنده باشین، آمدم که گپ های عروسی گل احمد و گل بانو خانه بزنیم.

گل چهره : بیا ده خانه نفس خوده راست کو، یک پیاله چای بنوش، باز گپ میزنیم.

هر دو داخل خانه میشوند.

گل اندام : دیشو گپ زدیم که بخیر همی خاطری ما از طرف بچه گک ما جمع شوه.

گلچهره : چقه خوب دیشو مام کتی پدر اولادها گپ زدیم که بخیر اگه شما قبول کنین همی معامله را ختم کنیم.

گل اندام : خوارجان دلی مام همی ره میگه خو مهم خودی دختر ده وقت نکاح باید هردوی شان حاضر باشن، یک دو نفر از کلانای ما یک دو نفر از ریشسفید های شما شاهد باشه و ملاصاحبه خبر بتیم که نکاح بسته کنه و پدرش شکر است که وکیلش شوه.

گل چهره : خو ای گپ آسان هست مگم پدری اولادها شو میگفت که باید نکاح خط رسمی بری شان از محکمه بیگیریم.

گل اندام : با صدای متعجب، ای نکاحنامهء رسمی چی اس ؟

گلچهره : ای روزها ده رادیو ها و تلویزیون ها گفته میشه که هر کس که عروسی میکنه باید نکاحنامهء رسمی بگیره و نکاح خود ره ثبت کنه

گل اندام : با صدای بسبتاً نا راضی ای خوار جان ما وشما که نکاحنامه نگرفتیم کجای دنیا کج شد که گل احمد ره به پشت نکاح نامه سرگردان کنیم

گلچهره: پدر اولاد ها میگفت که بسیار ضروری است ده همی روزها زن ها بیچاره ها ده دفترها سرگردان هستند. وقتی زنی طلاق شوه اگه بخواهه که مهریه خوده بگیره، نکاحنامه نداشته باشه اگه شوهرش مهریه او ره نته بیچاره زن هیچ کار کده نمی تانه.

گل اندام: ای خوار جان دهانته بخیر به خوبی واز کو. نام طلاقه نگی که دل آدم از دل خانه کنده میشه.

گلچهره : هفت کوه سیاه ده مابین، مقصدم ای بود که غیر از طلاق گپ های دگام اس.

گل اندام: با تعجب چه گپ ها دگه ؟

گلچهره: پدر اولاد ها میگفت که اگه نکاحنامه رسمی نباشه یک زن چه قسم می تانه که ده یک دفتر رسمی ثابت کنه که او زن فلان کس است.

گل اندام : اولاد داره

گل چهره : اگه اولاد نداشته باشه. زن بی نکاحنامه چه قسم میتانه که از دارایی شوهر خودمیراث بیره

گل اندام : ما وشما که نکاحنامه نگرفتیم ؟

گل چهره : او زمان دیگه بود، حالی زمان دیگه اس حکومت ام میخواهه که مردم نکاحنامه رسمی بگیرند.

گل اندام : چه قسم گرفته میشه ؟

گل چهره : پدر اولاد ها میگفت که آسان است. یک نفر می ره از وزارت عدلیه یا محکمه در ولایات ورق نکاحنامه را میگیره. در وقت نکاح پدر دختر وپسر، شاهدان، وکلا در او امضاً میکنند، بعد از نکاح دختر وپسر هردو به همو مرجع مربوطه که نکاحنامه ره از همو نجه گرفته بودند میرند و دریک کتاب نکاحنامهء شان نوشته میشه وهر دو شان امضاً یا مهر میکنند. مه دگه بسیار نمی فامم خوار جان پدر اولاد ها میگفت خودشان ای گپ ها ره خوب میفامند.

گل اندام : خوب شد خوار جان که گفتی مه به گا احمد جان بگویم که پیش از روز نکاح نکاحنامه رسمی گرفته وپاره.

مه ديگه ميرم که کارها ره یک طرفه کنم.
گل چهره : وی خوار جان ده گپ گیر ماندیم چای هم بریت نیاوردم.
گل اندام: همی معامله ما که به خیر بخوبی تیر شوه بری مه همه
چیز است. خدا اولاد های ما را به خوشی به هم برساند.
هر دو با صدای بلند آمین !

یاد داشت برای آموزگار :

آموزش یک پروسهء دو جانبه است. آموزگار چیزی را برای اشتراک
کننده گان می آموزاند و به همین گونه خود نیز از اشتراک کننده
گان چیز های را یاد میگیرد .
اگر در پروسه آموزش سطح آگاهی بلند نرود در حقیقت آموزش
صورت نگرفته است. بناً هر آموزگار نیاز مند است نتیجه آموزش
خود را با طرح چند پرسش ارزیابی کند. ما نیز در این جا چند پرسش
را طرح نموده ایم؛ ولی آموزگار میتواند خود نیز پرسش هایی را
طرح کند.

پرسشها جهت ارزیابی :

- *- ازدواج چیست ؟
 - *- شرایط ازدواج را از دیدگاه اسلام بیان نمایید؟
 - *- در افغانستان عمدتاً چه مشکلاتی بر سر راه جوانان وجود دارد ؟
 - *- رسوم و عینعات ناپسند را در پیوند به ازدواج نام ببرید.
- همچنان در قسمت پیشبرد موضوعات، آموزگار میتواند از انواع مختلف
روش های آموزش بزرگسالان استفاده نماید. به گونه مثال ما
میتوانیم روش های تمثیل، توپ برفی، سوال و جواب، مباحثه،
مناقشه، ذهن انگیزی، نمایش، نظر خواهی، کار گروهی، قصه و ...
به عنوان روش های موثر به آموزگاران توصیه نمایم.

**آموزگار جهت پیشبرد موفقانه آموزش خویش باید برنامه یا پلان
آموزشی تهیه شده را دقیقاً مورد مطالعه قرار داده و هدایات آنرا
عملی سازد !**

بخش دوم مفاهیم و مقولات

ازدواج چیست ؟

زننده گی مشترک و پیوند زنا شویی پایه زننده گی مدنی در جامعه را تشکیل می دهد. تشکیل خانواده، همانا تشکیل کانون و جامعه کوچک و جدیدی است، که پایه جامعه و دولت است. حق تشکیل خانواده حق سازنده گیسیت و این حق جامعه را می سازد و انکشاف میدهد. فیلسوف بزرگ قرن هجدهم ایمانول کانت ازدواج را چنین تعریف کرده است : " ازدواج قرار دادی است بین دونفر، که به موجب آن برای یکدیگر حقوق برابر قایل اند و در شرایط یکسان و مساوی هر کدام شخصیت خود را در اختیاری دیگری قرار می دهد. اگر من تمام شخصیت خود را به دیگری واگذار کنم و به جای آن، شخصیت دیگری را به دست آورم، دوباره شخصیت خود را بدست آورده ام و از این طریق به شخصیت خود دست یافته ام ؛ زیرا در حالی که خود را به مالکیت دیگری در آورده ام در مقابل، او را به مالکیت خود در آوردم. پس خود را از این طریق حفظ کرده ام ". کانت بر تساوی حقوق دوشهروند، که پیوند ازدواج می بندند، تأکید میکند. ولی حالا، که از درگذشت آن دانشمند بزرگ قرنها می گذرد، هنوز هم زنان در جوامع مختلف از کمبود رعایت آزادی و برابری در مقابل جنس هممنوع خویش رنج می برند.

حق ازدواج

زن و مرد دو نیمه یک پیکر اند. آن پیکر بشریت است. آن گاه که خداوند هنوز هوا را نیافریده بود حضرت آدم تنها بود و نیمه از هستی او تاریک بود. با آفرینش بی بی هوا مفهوم خانواده و بعداً جامعه پدید آمد. از همین جاست که گاهی بشریت یا جامعه را به پرنده بی همانند میکنند که مرد وزن دو بال آن را میسازند. هیچ پرنده بی تا کتون نتوانسته است که با یک بال پرواز کند. به همین گونه خانواده و جامعه بی تنها با مرد ویا تنها با زن ایجاد نمیشود.

چه در قوانین آسمانی وچه در زمینی برای مرد وزن حقوق و مکلفیت های مشخص شده است. وقتی خداوند در قرآن کریم مردم را خطاب میکند در این خطاب مرد وزن هر دو شامل اند. خداوند هیچگاهی مردان را بر زنان برتری نداده است، بلکه بر تری در نزد خداوند بر بنیاد تقوی است .

در کشور ما افغانستان نیز زنان در قوانین حقوق مشخصی دارند، اما موجودیت یک رشته سنت ها پیوسته با قوانین در آمیخته وزنده گی زنان را به دشواری روبرو کرده است. گذشته از قانون اساسی در قانون مدنی افغانستان که در چهار جلد و ۲۴۱۶ ماده ساخته شده است از ماده ۲۲ الی ۵۲ مسأله خانواده، ازدواج وزنده گی خانواده گی و زناشویی مورد بحث قرار گرفته است که محاکم این مسأله را در فیصله های خویش در نظر دارند.

حق ازدواج از نگاه قرآن

خداوند در کتاب آسمانی خود قرآن مجید میفرماید :
از نشانه های خدا آن است که از خود شما برایتان همسرانی آفرید تا در کنار آنها آرام گیرید و میان شما دوستی و دلسوزی به وجود آید. در آیه دیگری میفرماید:
انها (زنان) لباس شما هستند و شما لباس آنها هستید البقره آیت یکصدوهشتاد وهفت
از نظر اسلام دختر و یا پسر را نمیتوان بدون رضایت به ازدواج مجبور کرد و یا به زور و تهدید از آنان رضایت گرفت.

ماده ۶۰ قانون مدنی افغانستان:

ازدواج عقدیست که معاشرت زن و مرد را به مقصد تشکیل خانواده مشروع گردانیده و واجبات طرفین را به وجود میآورد.
ماده ۶۶ قانون مدنی چنین صراحت دارد:
اول: عقد ازدواج به ایجاب و قبول صریح که فوریت و استمرار را افاده میکند بدون قید وقت در مجلس واحد صورت میگیرد.
دوم: طرفین باید حرفهای همدیگر را به صورت کامل بشنوند اگر زبان یکدیگر را نمیدانند که شخص مقابل چه میگوید عقد درست و صحیح نیست.
سوم: توافق کامل بین ایجاب و قبول باید موجود باشد.

نامزدی:

در دین مقدس اسلام نامزدی شرط اجباری ازدواج نیست و یک فرصت برای آشنایی همدیگر محسوب میشود.
از نظر قانون مدنی افغانستان، نامزدی فقط تفاهمی بین زن و مرد جهت ازدواج است، ولی ارزش عقد را ندارد.
ماده ۶۴ قانون مدنی چنین صراحت دارد:

نامزدی عبارت از تفاهم به ازدواج است، هر يك از طرفین میتواند از آن منصرف شود. در فسخ نامزدی اراده یکطرف کافی بوده و به رضای طرف مقابل ضرورت نیست.

ارکان نکاح:

برای عقد ازدواج شرط اساسی ایجاب و قبول است، آنچه در نشست صادر میشود، اول ایجاب و بعد قبول. ایجاب و قبول باید در يك نشست واحد صورت گیرد. اگر ایجاب در يك جای و قبول در جای دیگر صورت گیرد عقد صحیح نیست.

شرایط نکاح:

ماده ۹۲ قانون مدنی بند اول:
ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان باطل است. مرد مسلمان میتواند با زن اهل کتاب ازدواج کند.
ماده ۷۰ قانون مدنی چنین صراحت دارد:
اهلیت ازدواج وقتی کامل میگردد که مرد سن ۱۸ و زن سن ۱۶ را تکمیل کرده باشد.
هر گاه دختر ۱۶ ساله گی را تکمیل نکرده باشد ازدواج او توسط پدر صحیح التصرف (پدر سکه) یا محکمهء باصلاحیت صورت گرفته میتواند.
بند دوم ماده ۶۴ قانون مدنی:
عقد نکاح صغیر کمتر از ۱۵ سال به هیچ وجه جواز ندارد.

ولی:

موجودیت ولی نزد بعضی از علمای مذهبی، از جمله ارکان نکاح است، اما نزد امام ابوحنیفه موجودیت ولی رکن نیست. او میگوید که زن بالغ و عاقل میتواند به کفو(همسان) خود بدون اجازه ولی نکاح نماید و شوهر خود را انتخاب کند.
ماده ۷۸ قانون مدنی:
قاضی ولی اشخاصی است که ولی نداشته باشد.

شاهد: ماده ۷۷ قانون مدنی:

برای صحت عقد نکاح و نفاذ آن، یعنی ایجاب و قبول توسط عاقدین، افزون بر اولیا و یا وکلای شان باید دو نفر شاهد با اهلیت حضور داشته باشد.

مهر:

مهر نزد امام ابوحنیفه از جملهء شروط صحت نکاح است. بدهید مهر ایشان را که مقرر کرده شده. سوره النساء آیت دوم ماده ۱۱۰ قانون مدنی چنین صراحت دارد: مهر ملکیت زوجه محسوب میشود زوجه میتواند در مهر خود هر نوع تصرف مالکانه نماید.

نفقه:

ماده ۱۱۸ قانون مدنی چنین صراحت دارد: نفقهء زوجه مشتمل است بر طعام، لباس، مسکن و تداوی متناسب به توان مالی زوج.

طلاق:

ماده ۱۵۵ قانون مدنی: طلاق عبارت از انحلال رابطه زوجین در حال یا آینده بین زوج و زوجه است به الفاظی که وقوع طلاق صراحتاً از آن افاده شده بتواند. گر چه اختیار طلاق به مرد داده شده است، ولی در مواردی این حالت تغییر میکند از جمله: زنی که تحت آزار شوهر قرار داشته باشد و شوهر حاضر به طلاق او نشود در این صورت محکمه شوهر را مجبور به طلاق دادن زوجه اش میکند.

خلع:

ماده ۱۵۶ قانون مدنی: خلع عبارت است از انحلال عقد ازدواج در بدل مالی که زوجه آنرا به زوج میپردازد.

تفریق:

تفریق به سبب عیب:
ماده ۱۷۶ قانون مدنی:

زوجه وقتی میتواند مطالبه تفریق نماید که زوج مبتلا به مرض غیر معالجه باشد و یا اعاده صحت وی مدت طولانی را در بر گیرد

ازدواج و رسم و رواج:

***- طویانه یا ولور :**

مقداری پول گزاف از طرف خانواده دختر بنام های ؛ ولور، پیشکش ویا طویانه از خانواده داماد گرفته می شود.

***- بد دادن دختران :**

وقتی جهت حل دشمنی های که بین دو خانواده ویا دوقوم واقع می شود، دختری را به نکاح طرف مقابل در آورند، آن را (بد) می گویند .

***- عدم مشوره با دختران :**

در جامعه ما بخصوص در دهکده ها در هنگام نامزدی ویا ازدواج با دختران مشوره نمی شود وبه رضایت آن توجه صورت نمی گیرد.

***- ازدواج اجباری بیوه ها :**

این رسمی است که اگر زنی جوانی شوهرش بمیرد، او با برادر شوهر ویا کدام یک از اعضای خانواده ولو تفاوت بزرگ سنی هم داشته باشد، باید ازدواج کند .

***- عدم تأدیه مهر به زن :**

مهر در زمان نکاح تأدیه نمی شود وگاهی هر آنچه که مربوط به زن است توسط شوهرش بدون رضایت وی غصب وحتی بفروش میرسد.

***- محرومیت از حق میراث :**

حق میراث را که اسلام به زنان داده است در اکثر موارد به زنان داده نمی شود.

***- کم بها دادن به زنان :**

در جامعه ما بازنان مشوره صورت نمی گیرد و زنان را عاجزه و بی اراده می پندارند.

حقوق زن از دیدگاه قانون اساسی و قوانین مدنی

حقوق زن در اعلامیه جهانی حقوق بشر :

حقوق زنان از مهمترین عرصه های حقوق بشر به شمار میرود. بر اساس میثاق جهانی (رفع هر نوع تبعیض علیه زنان) دولت های عضو مؤظف اند تا تمام امکانات عملی در جهت رعایت اصول قبول شده برابری میان زنان و مردان در جامعه مهیا نمایند. مطابق این میثاق زنان در مشارکت فعال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حقوق برابری مساوی با مردان دارند و از سایر امتیازات مادی و معنوی در جامعه بهره مند می باشند. حقوق بشر به عنوان یکی از عرصه های مطرح در حقوق بین المللی بر نقش زنان در جامعه تأکید دارد. دانشمندان حقوق بشر تبعیض جنسی در مقابل زنان را در نقاط مختلف جهان ارزیابی نموده و آنرا یکی از بحث بر انگیزترین موارد تخطیها از حقوق بشر، دانسته اند. آنها در تحقیقات و بررسی های خویش موارد زیر را در زمینه حقوق زنان بر جسته می سازند و توجه جامعه جهانی را به آن معطوف می دارند :

۱- برابری و تساوی حقوق در پیوند به آزادیها و حقوق مدنی:

حقوق و آزادی های مدنی در جامعه برای زنان زمینه داشتن امنیت شخصی و مدنی را فراهم می سازد. آزادی مدنی این مجال را می دهد تا زنان در جامعه بدون هرگونه خطری، مانند شکنجه های فیزیکی، روحی و بر خورد های ضد انسانی به سر برده واز حقوق و آزادی های اولیه مانند آزادی فیزیکی در مقابل برده گی، داشتن امنیت، آزادی از تعرض، باز داشت و حبس خود سرانه، آزادی در زنده گی خانواده گی، آزادی ملکیت و مصونیت منزل و مصونیت دارایی ها، آزادی معلومات آزادی کسب و کار، آزادی رفت و آمد و آزادی ارتباطات بهره مند گردند.

از سوی دیگر حقوق و آزادیهای مدنی برای زنان شامل آزادی اندیشه، آزادی مذهب، آزادی آموزش، آزادی های هنری و ادبی، آزادیهای مطبوعات، آزادی اجتماعات آزادی انجمنها و غیره است.

۲- داشتن حقوق و آزادیهای سیاسی :

حقوق و آزادیهای سیاسی و داشتن امکانات عملی در مشارکت سیاسی و نقش فعال در انتخاب رهبری سیاسی جامعه، با استفاده از حقوق و آزادیهای سیاسی در جامعه، مشارکت زنان در انتخابات، حق استخدام تصدی مناصب دولتی، حق دسترسی به محاکم و دادگاه ها و سایر آزادیها در نیازمندیهای سیاسی آنها توسط دولت تأمین می گردد. منظور از آزادیهای سیاسی حق مشارکت زنان در اداره حکومت است.

ماده دوم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به صراحت تمام اعلام می دارد :

دولت های عضو متعهد می شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را در باره کلیه افراد مقیم در قلمرو و توابع حاکمیت شان، بدون هیچگونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب عقیده سیاسی و یا عقیده دیگر، اصل و یا منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیتها محترم شمرده و تضمین بکنند.

حقوق زن در قانون اساسی افغانستان

ماده های قانون:

ماده هفتم: دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت میکند.

ماده بیست و دوم: هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.

اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی میباشند.

ماده بسیت و چهارم: آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف میباشد.

ماده سی و سوم: اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا میباشند.

ماده چهل و سوم: تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در موسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تامین میگردد.

دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تامین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام موثر، طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبانهای مادری را در مناطق که به آنها تکلم میکنند فراهم کند.

ماده چهل و چهارم: دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امهای بیسوادی در کشور پروگرام های موثر طرح و تطبیق نماید.

ماده پنجاه و دوم: دولت وسائل وقایع و علاج امراض و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تامین می نماید.

ماده پنجاه و سوم: دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده برای کهنسالان، زنان بی سرپرست، معیوبین و معلولین و ایتم بی بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم بعمل میاورد.

ماده پنجاه و چهارم: خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل میدهد و مورد حمایت دولت قرار دارد دولت به منظور تامین سلامت جسمی و

روحی خانواده بالاخص كودك و مادر، تربیت كودكان و برای از بین بردن رسوم مغایر با احكام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ میکند.

حقوق زن در اعلامیه جهانی حقوق بشر

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

این میثاق در پنجاه و سه ماده تدوین و در ۵ جدي ۱۳۴۴ طی قطعنامهء شماره ۲۲۰۰A به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و قدرت اجرایی اش را بنا بر مادهء چهل و نهم به تاریخ ۳ حمل ۱۳۵۴ بدست آورده است.

اهم مواد این میثاق عبارتند از:

مادهء سوم:

دولتهای عضو این میثاق تعهد مینمایند که برابری حقوق مردان و زنان در بهره مند شدن از تمام حقوق سیاسی و مدنی، که در این میثاق بیان شده است، تضمین شود.

مادهء هفتم:

هیچکس نباید در معرض شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز و مجازات غیرانسانی و وحشیانه قرارگیرد. بخصوص کسی را نباید بدون رضایت آزادانه اش مورد آزمایشات پزشکی و علمی قرار داد.

مادهء نهم:

هرکس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچکس نباید تحت بازداشت و پادستگیری خود سرانه قرارگیرد. هیچکس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات آیین داد رسی حکم کند.

مادهء هفدهم:

۱. هیچکس نباید در زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه و یا مکاتبات، مورد دخالت خود سرانه (بدون مجوز قانونی) یا خلاف قانون قرارگیرد. همچنین نباید شرافت و حیثیت او مورد تعرض غیرقانونی واقع گردد.

۲. هرکس حق دارد که در مقابل این تعرضات و دخالت ها از حمایت قانون برخوردار شود.

مادهء نوزدهم:

۱. هرکس حق دارد که نظرات خود را بدون دخالت و مانع (دیگران) بیان دارد (حفظ کند).

۲. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی کسب دانش، گرفتن و دادن اطلاعات و هنر و عقاید، بدون توجه به چگونگی آرایه آن (آرایش) به طورزبانی یا نوشتاری یا چاپی و در شکل هنری یا به هر وسیله دیگری که خود انتخاب میکند، میباشد.

ماده بیست و یکم:

حق تشکیل مسالمت آمیز مجامع به رسمیت شناخته میشود. هیچ محدودیتی در مورد اعمال این حق صورت نمیگیرد، مگر مطابق قانون، آنهم در یک جامعه دموکراتیک و به طور ضروری در جهت نفع (مصلحت) امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادیهای دیگران باشد.

ماده بیست و دوم:

هرکس حق آزادی (تشکیل) اجتماعات با دیگران را دارد. این حق شامل تشکیل و پیوستن به اتحادیه ها و برای حفاظت علاقمندی ها و منافع خود میباشد.

ماده بیست و سوم:

۱. خانواده یک واحد گروهی و (عنصر) بنیادین و طبیعی جامعه است و شایسته میباشد که به وسیله جامعه و حکومت حفاظت گردد.
۲. حق ازدواج و تشکیل خانواده برای مردان و زنانی که به سن قانونی رسیده اند، به رسمیت شناخته می شود.
۳. هیچ ازدواجی بدون رضایت آزادانه و کامل زوجین منعقد نمی گردد.
۴. کشور های عضو این میثاق، باید اقدامات مناسب را به منظور تأمین تساوی حقوق و مسئولیتهای زوجین در خلال انعقاد و فسخ ازدواج بعمل آورند. در مورد فسخ ازدواج باید برای حفاظت کودکان پیش بینی های لازم انجام گیرد.

ماده بیست و هشتم:

تمام افراد در مقابل قانون برابر هستند و بدون تبعیض، مستحق حفاظت (حمایت) مساوی در مقابل قانون می باشند. از این لحاظ قانون باید هنر و نوع تبعیض را مانع شود و برای تمام افراد حفاظتها (حمایتهای)

موثر و مساوي را عليه هر نوع تبعيض و در هر مرحله يي مانند نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقايد سياسي و يا ديگر عقايد، منشاي ملي يا اجتماعي، دارايي، تولد (نسب) و يا هروضعيت ديگري تضمين نمايد.

دراخير بايد گفت: حق عبارت از يك سلسله خواستها و نيازهاي فطري، طبيعي و اجتماعي انسانهاست.

حقوق مدنی زن

تعریف حقوق مدنی

۱- حقوق مدنی، حقوقی است که شهروندان به موجب قانون اساسی و سایر قوانین دیگر از آن برخوردار اند. حقوق مدنی هم در قوانین داخلی به طور مشخص تصریح می شوند و هم بالاخص به ارتباط میان افراد یا شهروندان و حکومت ناظر هستند، مثلاً آزادی تشکیل انجمن ها و اجتماعات و راه اندازی تظاهرات به منظور اعمال فشار برحکومت برای رسیدگی به شکایات و اعتراضات و یا به منظور اعلام مخالفت با سیاست های حکومتی، یکی از حقوق و آزادی های مدنی اساسی در دموکراسی ها به شمار میرود. آزادی بیان، حق رأی از جمله حقوق مدنی به شمار میرود.

حقوق مدنی خانواده:

خانواده در قوانین مدنی اکثریت کشورهای جهان تعریف نشده است؛ ولی در قانون مدنی افغانستان در ماده ۵۶ تحت عنوان فامیل چنین تعریف صورت گرفته است: ((فامیل انسان متشکل از اقاربی است که توسط يك اصل مشترك باهم جمع شده باشند)).
و برای خانواده میتوان به معنی عام گفت که گروهی است از شخص نسبی و همسراو، گروهیکه از همدیگر ارث می برند.
خانواده مورد حمایت اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ قرار دارد. چنان که در بند ۱۴ اعلامیه حقوق بشر چنین آمده است ((خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود)).

خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف آن تأمین سلامت روحی و روانی افراد آن است، قرآن کریم برای تمام افراد خانواده حقوقی قائل است، این حقوق در قبال وظایفی است که آنها نسبت به همدیگر دارند، ممکن نیست کسی را پیدا بکنیم که حقی در موردی داشته باشد و بدون اینکه وظیفه ای بر دوش داشته باشد، همان طور که مرد در برابر وظایفی خویش از حقوقی نیز برخوردار است، که حقوق زن در خانواده متفاوت است. مثلاً او به عنوان همسر بر شوهر و به همینگونه به عنوان مادر بر عهده فرزندان حقوقی دیگری دارد.

جایگاه زن در اسلام

جهل و تاریکی، عالم را فراگرفته بود، اخلاق و معنویت پایمال ابلیس و ابلیسیان شده بود خدایان چوبین به عنوان نمادی از خدا در گوشه خانه ها و عبادتگاه جاداشتند ؛ اما در حقیقت هوی و هوس بود که بر آنان خدایی میکرد. زن به کالایی برای رفع هوی و هوس تبدیل شده بود و در غایت مظلومیت، فریاد داد خواهی سر داده بود و در چنین وضعیتی که « اسلام » از جزیره العرب سر بلند کرد و قد بر افراشت و به این ندای مظلومیت که نه تنها ندای زن ؛ بلکه ندای انسانیت بود، لبیک گفت و با تعالیم ناب و انسان سازش به یاری انسان و انسانیت شتافت و زن را از ورطه خواری و ذلت بیرون کشید و بر قلعه رفیع عزت نشانید.

از نگاه اسلام زن و مرد هر دو انسانند ؛ هر دو مخلوق خدایند و هر دو برابر، اما این برابری در دستیابی به مقامات معنوی و انسانی، بنده گی و تعبد الهی و کرامت وجودی انسان بر سایرین است نه در احکام ووظایف. از سوی دیگر، هر دو به یک اندازه در بنیان خانواده، اجتماع و بقای نسل آدمی سهیم اند. ؛ خداوند میفرماید: "ای مردم، شما را از مرد وزنی آفریدیم و آن گاه شعبه های بسیار و قبيله های مختلف گردانیدیم." قرآن به صراحت اعلان میکند که زن و مرد هر دو از یک جوهر انسانی و یک نفس واحد، خلقت یافته اند و زن مایه آرامش و آسوده گی مرد است.

در پیشگاه خداوند، زن و مرد هر دو یک مقام دارند و هیچ یک بخودی خود بر دیگری برتری ندارند ؛ چون هر دو از یک جوهرند و جنسیت مایه برتری آنان بر دیگری نیست ؛ هیچ مردی را بر زنی و هیچ زنی را بر مردی برتری نیست مگر به سبب ایمان و تقوایشان ؛ این همان مطلبی است که خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات به آن تصریح نموده است.

اسلام می خواهد زن به مقام والای انسانیت دست یابد ؛ در سر نوشت خویش دخیل باشد و آنچنان که شایسته یک انسان است زنده گی کند ؛ از همین رو، مسیر کمالش را تعیین و راه را نشان داده است تا وی به اختیار و اراده خویش، مسیر سعادت برگزیند و به کمال انسانی خویش نایل گردد.

نقش زن در خانواده از دیدگاه اسلام

از نظر قرآن زن در خانواده دونقش اساسی دارد، نقش اول او این است که با پرتو عاطفه و محبت و دلسوزی خداداد، تلخیهای زنده گی مشترک زناشویی را می زداید. و قرآن میفرماید :

از نشانه های او این است که از خود شما جفت های برای شما آفرید تا نزد ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت.

در نقش دوم، زن قدرت آفریدگاری و ربوبی خداوندی را با پرورش جنین و تربیت کودک به نمایش می گذارد، قرآن می فرماید :

خداوند برای شما از خود تان همسرانی قرار داد و از همسران تان برای شما پسران و نواده گان پدید آورد.

اسلام همان طور که در سایر جهات از خود برنامه و قانونی دارد در مورد زن و مسایل خانوادگی نیز برنامه و قانونی دارد. در جامعه قرآنی همان طور که شوهران بر عهده زنان حقوقی دارند و بر زنان لازم است آن را انجام بدهند، متقابلاً زنان نیز بر عهده شوهران حقوقی دارند که بر مردان لازم است آن را انجام بدهند، و قرآن کریم در این مورد می فرماید:

همان حقوقی که مردان بر گردن زنان دارند و زنان نیز به گردن شوهران دارند.

ما در اینجا اصول و کلیات آن سیر حقوقی را که زن در خانواده بر عهده شوهر دارد و در خطابات قرآنی به آن اشاره شده است ذکر می کنیم و ببینیم چه حقوقی بالاتر و بهتر و مناسب تر با وضع جسمی و روحی زن در دنیا از این حقوق است.

• **حق رفتار شایسته:** قرآن کریم بر خلاف ملل گذشته و اعراب جاهلیت، که با زنان رفتار بد و برخورد ناشایسته داشتند، خطاب می کند با زنان رفتار خوش نمایید، اگر چه آنها را نمی پسندید:

• **حق مسکن:** قرآن کریم دستور می دهد به هر جا که خودتان سکنی می گزینید به زنان همان جا سکنی بدهید.

• **حق نفقه:** قرآن کریم بر خلاف اعراب جاهلیت که زنان شان را نفقه نمی دادند، می گوید به زنان تان نفقه بدهید.

• حق انتخاب

پیمان زناشویی، پیمان مقدسی است و رضایت زن، رکن اساسی ازدواج از نظر اسلام است، او آزاد است که به اختیار خود، همسر (همسفر زندگی) اش را برگزیند. و با اینکه پیغمبر اکرم (ص) دخترش فاطمه الزهرا را در انتخاب شوهر آزاد میگذارد، پیغمبر اکرم خود چند دختر به شوهر داد. هرگز اراده و اختیار آنها را از آنها سلب نکرد، هنگامی که علی بن ابی طالب برای خواستگاری زهراي مرضیه نزد پیغمبر اکرم رفت، پیغمبر اکرم فرمود: تاکنون چند نفر دیگر نیز به خواستگاری زهرا آمده اند و من شخصا با زهرا در میان گذاشته ام. اما او به علامت نارضایی چهره خود را برگردانده است. اکنون خواستگاری شما را به اطلاع او می رسانم. پیغمبر رفت نزد زهرا و مطلب را با دختر عزیزش در میان گذاشت، ولی زهرا برخلاف نوبت های دیگر چهره خود را برنگرداند، با سکوت خود رضایت خود را فهماند، پیغمبر اکرم تکبیرگویان از نزد زهرا بیرون آمد.

• حق مهر

قرآن کریم بر خلاف عادات جاهلیت که به زنانشان مهر نمی دادند دستور می دهد به زنان تان مهرش را به عنوان هدیه تقدیم نمایید. مرد، وظیفه دارد در آغاز پیمان زناشویی و زندگی مشترک، "مهریه یی" را به عنوان پیش کش و هدیه برای همسر خویش در نظر بگیرد و تقدیمش کند و البته که این پیش کش منحصر و مختص به زن است و هیچ کس دیگری در آن سهمی ندارد، از همین رو قرآن می فرماید "مهر زنان را در کمال رضایت و طیب خاطر به آن ها پردازید" و نیز رسول اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید "هر کی زنی گیرد و در خاطر داشته باشد که مهر او را پردازد هنگام مرگ، چون زناکاران بمیرد".

خداوند در آیه ۴ سوره نساء از مهریه با نام " صدقه " یاد کرده است که می توان این چنین بیان کرد: صدقه از ماده صدق است و از آن رو بر مهریه اطلاق می شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد است و از محبت قلبی و حقیقی وی نشان دارد.

علاوه بر مهریه، در تمام مدت زمانی که زن و مرد با یکدیگر زندگی مشترکی دارند، پرداخت نفقه نیز بر عهده مرد و امری واجب است که در صورت تخلف مرد از پرداخت آن، زن می تواند اقامه دعوی کند.

• حق ملکیت

یکی از مسایل مهم و مورد توجه در این مقام همین مسأله است که آیا زن در امور مالی و اقتصادی از دیدگاه خطاب های قرآنی از چه حق و حقوق برخوردار است؟ این مطلب از آنجا دارای اهمیت می باشد که زن در طول تاریخ از این حق یا به کلی محروم بوده و یا از حق مناسب و شایسته خودش به طور کامل برخوردار نبوده است.

قبل از ظهور اسلام و در دوران جاهلیت به همان دلیل که برای زن کمترین جایگاه انسانی و ارزش قابل نبودند حق مالکیت هم نداشته و مالک هیچ چیز به حساب نمی آمد، حتی در مواردی چون ارث نه تنها زن مالک سهم خود نمی شد؛ بلکه خودش جزء مالکیت متوفی به حساب می آمد و بسان اشیاء به سایر ورثه انتقال پیدا می کرد. اما در دو قرن اخیر در قوانین کشوری و بین المللی، گرچه وضعیت زنان نسبت به دوران جاهلیت بهتر شده و زن میتواند مالکیت داشته باشد، ولی میتوان گفت تا هم اکنون بحقوق کامل خود در این زمینه نرسیده است، در گذشته زن به عنوان شخصیت غیر مستقل شناخته می شد و مانند صغیر، مجنون، محجور و از تصرف در اموال خود ممنوع بوده.

اما اسلام دست کم یک هزار و چهارصد سال پیش این حق ملکیت را برای زنان فراهم ساخت. مطابق به احکام اسلام یک زن در اموال خود که از راه کسب و کار حلال به دست آورده است چه پیش از ازدواج و چه پس از ازدواج حق دخل و تصرف را دارد. شوهر نمیتواند و یا حق ندارد مانع دخل و تصرف زن در اموالش شود.

• حق آموزش و پرورش

خداوند انسان را آفرید و تاج کرمنه بر فرق او نهاد. این تاج کرمنه خرد انسان است. برای اینکه انسان با خرد خویش است که خود را از جانوران دیگر متمایز ساخته است. انسان با خرد خویش است که خود را و محیط زنده گی خود را می شناسد و می آموزد.

امروزه آنچه را که بشر دارد از برکت خرد و آموزش است. تجربه های علمی گذشته گان به ما رسیده است. این تجربه های علمی همان آموخته های گذشته گان است که آموزگاران این تجربه را به ما میرسانند.

مقام و مرتبت انسانی که میداند در نزد خداوند بالاتر از کسانی است که نمی دانند. این خود پیام روشنی خداوند به بنده گان اوست تا بیاموزند.

چنان که خداوند در کتاب مقدس خود قرآن مجید می فرماید که :
(برابر نیستند آنانی که می دانند و آنانی که نمی دانند)
به همینگونه در حدیث پیغمبر بزرگ اسلام آمده است :
آموختن علم بر هر مرد و زن مسلمان فرض است.
در حدیث شریف دیگر آمده است که علم را از گهواره تا گور طلب
نمایید !
این سخن پیغمبر را فردوسی بزرگوار این گونه به شعر در آورده است
:
چه خوش گفت پیغمبر راستگوی زگهواره تا گور دانش بجوی

• حقوق اجتماعی و سیاسی

اسلام همان طور که در سایر امور برای زن شخصیت حقوقی قابل
است، در مسایل اجتماعی و سیاسی نیز شخصیت حقوقی قابل
میباشد. اسلام دخالت زن مانند مرد را در تمام فعالیت های اجتماعی
و سیاسی جایز می داند و در میان آن دو از این جهت هیچ فرقی نمی
گذارد، مثلاً مسأله انتخابات و حق رأی و تعیین سرنوشت یکی از
مسایل عمده سیاسی اجتماعی به شمار میرود که قرآن کریم این
امر را به عنوان نمونه و سمبولی از فعالیت های اجتماعی و
سیاسی برای زنان ذکر نموده است. پروردگار عالمیان در قرآن کریم
به پیامبر خود می فرماید:

ای پیامبر: هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که
چیزی را شریک خداوند قرار ندهند، دزدی نکنند، آلوده به زنا نشوند و
فرزند خود را نکشند و تهمت و افتراپی پیش خود نیاورند، و در هیچ
کار شایسته ای مخالفت فرمان تو را نکنند، و با آنها بیعت کن و برای
آنها از درگاه خداوند طلب آمرزش نما زیرا خداوند آمرزنده و مهربان
است.

اما کشورهایی که امروز داد از حقوق زن می زند و شعار دخالت
زنان در مسائل اجتماعی و سیاسی را سر می دهند قرن ها بعد از
اسلام حق رأی برای زنان را در انتخابات پارلمانی آن هم بعد از سالها
مبارزه و تلاش توسط جنبش زنان و آزادی خواهان تصویب کردند.

شرایط حق رأی

در این آیه شریفه نکته بسیار مهم اخلاقی تحت عنوان شرایط بیعت
ذکر شده است که قابل توجه است، معمولاً کشورهای دنیا برای

رای دادن و یا کسب رای نمودن بعضی شرایط را از قبیل تابعیت، ملیت، نژاد، مدرک و امثال آن تعیین می کنند، اما قرآن کریم برای بیعت زنان بعضی شرایط را ذکر می کند که برای صلاح جامعه و فرد و موجب رستگاری آنها در دنیا و آخرت می باشد، که آن شرایط عبارتند از:

- ۱- چیزی را شریک خداوند قرار ندهند
 - ۲- دزدی نکنند
 - ۳- آلوده به زنا نشوند
 - ۴- فرزندان خود را نکشند
 - ۵- تهمت و افتراء پیش خود نیاورند
 - ۶- در هیچ کار شایسته مخالفت پیامبر را نکنند
- پس در اسلام به تعبیر علما (امور سیاسی مخصوص یک طبقه نیست همان گونه که علم مخصوص یک طبقه نیست، به همان گونه که مرد ها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند زنها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند، زنها هم باید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی همدوش مردان به کار پردازند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است.

• حقوق اقتصادی

اسلام به زن استقلال اقتصادی بخشیده است تا وی، مانند مردان از حق، مالکیت و تصرف در اموال خویشتن، بدون نظارت و قیمومیت کسی، بهره برد و با اختیار خویش ثروتش را در راهی که صواب می داند به مصرف برساند.

یکی از مسائل مهم و مورد توجه در این مقام همین مسأله است که آیا زن در امور مالی و اقتصادی از دیدگاه خطابات قرآنی از چه حق و حقوق برخوردار است؟ این مطلب از آنجا دارای اهمیت می باشد که زن در طول تاریخ از این حق یا به کلی محروم بوده و یا از حق مناسب و شایسته خودش بطور کامل برخوردار نبوده است.

قبل از ظهور اسلام و در دوران جاهلیت برای زن کمترین جایگاه انسانی و ارزش قایل نبودند. چنانکه زنان حق مالکیت هم نداشتند و مالک هیچ چیز به حساب نمی آمدند، حتی در مواردی چون ارث نه تنها زن مالک سهم خود نمی شد؛ بلکه خودش جزء مایملک متوفی به حساب می آمد و بسان اشیاء به سایر ورثه انتقال پیدا می کرد.

اسلام یک هزار و چهار صد سال پیش به چنین وضعیت ناگوار زنان پایان داد. زنان را با مردان مساوی و برابر اعلان کرد. در حالی که در غرب ظرف دو سده آخر است که در نتیجه مبارزات طولانی و گاهی خونین زنان، آن‌ها موفق شدند تا به یک رشته از حقوق خود دست یابند.

• حقوق فرهنگی

اسلام به فرهنگ و مسایل فرهنگی اهمیت ویژه‌ی قابل است از این رو مسلمانان را به کسب علم ترغیب می‌کند و در این امر، زن و مرد یکسان شمرده میشود. در فقه اسلامی، اگر زنی برای آموختن احکام واجب و تکالیف اسلامی و دینی خویش از منزل خارج شود گناهی را مرتکب نشده است. اگر شوهر به احکام و مسایل دینی آگاه است واجب است که خودش، به همسر خویش بیاموزاند؛ وگرنه حق ممانعت از خروج زن برای فراگیری احکام را ندارد. از آنجا که دین مقدس اسلام دین عدالت است حقوق هیچ دسته و طایفه‌ی در آن ضایع نمی‌شود و برای هر کسی حقوقی متناسب با وضعیت طبیعی او به نحو احسن در نظر گرفته شده است، این امر در مورد زن و شوهر نیز جاری است.

• حقوق سیاسی

یکی از حقوق سیاسی هر فرد، حق رأی اوست که باید بتواند از آن بگونه‌ی آزادانه استفاده کند و در تعیین سر نوشت خود و جامعه‌ی خود سهم بگیرد. اگر با نگاهی دقیق و موشکافانه به تاریخ گذشته بنگریم، خواهیم دید که " رأی " امروز در حقیقت شکل پیشرفته " بیعت " روزگاران قدیم است. در قدیم بیعت مینمودند. در صدر اسلام زنان در مدینه النبی در مسجد مستقیماً به پیغمبر اسلام بیعت کردند. و هیچ یک از بستگان و نزدیکان زنی نمیتوانست که به جای او بیعت کند. این ارزشی است که اسلام به زنان بخشیده است.

حقوق زن در جامعه مدنی

- حکومت های مردم سالار باید در حفظ حقوق زنان کوشا باشند، زنان را به مشارکت در تمام عرصه های جامعه و حکومت تشویق نمایند و اماکنی را برای آنان به وجود آورند تا بتوانند آزادانه تجمع کنند و دیدگاه هایشان را آشکارابیان نمایند.
- حقوق قانونی زنان شامل برخورد مساوی قانون با آنها و دسترسی به منابع قانونی است.
- حقوق زنان باید آشکارا مشخص شود - ابهام در موقعیت قانونی زنان همچنان یکی از علل اصلی فقر در سطح جهان است.
- زنان باید حق مالکیت و وراثت داشته باشند.
- زنان باید از امکان مشارکت در تنظیم و اجرای قانون اساسی و قوانین دیگر برخوردار باشند.
- حقوق سیاسی زنان شامل حق شرکت در انتخابات، اشتغال در مشاغل دولتی، مشارکت در حاکمیت و سازماندهی سیاسی است.
- نظام های مردم سالار باید از طرح های جامعه مدنی - اعم از دولتی و غیر دولتی - که زنان را در زمینه چگونگی شرکت در انتخابات و فنون رقابت های سیاسی و روند قانون گذاری آموزش می دهند حمایت به عمل آورند.
- فعالیت زنان در تمام سطوح جامعه مدنی و حکومت سبب استحکام مردم سالاری می گردد.
- زنان و دختران باید به آموزش ابتدایی دسترسی داشته باشند. آنان نباید از شرکت یا تدریس در مکاتب و پوهنتون ها منع شوند.
- حقوق اقتصادی برای زنان امکان نظارت بر دارایی های اقتصادی شان را فراهم می سازد و به آنان کمک می کند تا از روابط پر مخاطره جنسی و احتمال سوء استفاده دوری کنند. این حقوق شامل موارد زیر هستند:
- شرایط و مقیاس های مشابه استخدام در مقایسه با مردان.
- مصونیت از استخدام به دلیل بارداری یا ازدواج.
- مشارکت در برنامه هایی از قبیل استفاده از قرصه های کوچک انکشافی و آموزش مشاغل که برای زنان امکان کسب درآمد را فراهم می سازد.
- حق برخورداری از درآمد، رفتار و احترام مساوی در محل کار.

- نظام های مردم سالار باید برای کسب اطمینان از بهداشت و رفاه زنان و دختران و فراهم ساختن دسترسی مساوی به برنامه هایی مشابه برنامه های زیر تلاش نمایند:
- مراقبت های بهداشتی عمومی، پیشگیری از بیماری ها و مراقبت های دوران بارداری زنان.
- پیشگیری از بیماری ایدز، بهبود مراقبت های بهداشتی ارابه شده به مبتلایان، و کاهش از انتقال این بیماری از طریق مادر به فرزند.
- مبارزه با قاچاقچیان که زنان و دختران را به دام فحش اجباری یا بردگی داخل خانواده ها از طریق اغفال، تقلب یا اعمال زور می اندازند.
- مبارزه با آنچه بیشتر جهانگردی جنسی نامیده می شد و اغلب زنان و کودکان را مورد سوء استفاده قرار می داد.
- آموزش پیامدهای ناگوار صحتی و اجتماعی به خانواده ها در رابطه به ازدواج های اجباری، بدل دادن ها، بد گرفتن ها و ازدواج های زود هنگام.
- حمایت از مراکز قربانیان از جمله مراکز خشونت های خانوادگی.
- آگاهی دهی در پیوند به شیوه های کاهش خشونت های خانوادگی به پلیس، وکلا، قضات، دکتوران و اهل معارف.

بخش سوم

مشکلات و چالش ها در برابر زنان • فقر

فقر در میان زنان را عمدتاً میتوان بر دودسته تقسیم بندی کرد. نخست فقر معنوی و دیگر فقر مادی. فقر معنوی آن است که به سبب کمبود دسترسی زنان به منابع آموزش و یا هم به سبب سنت های دست و پا گیر زنان نمی توانند به آموزش بپردازند که این امر در پروسه مشارکت آنها و تصمیمگیرهای سیاسی، اجتماعی در جامعه تاثیر مستقیم دارد. به مفهوم روشن تر بی سوادی کتله بی زنان امکان مشارکت های اجتماعی، سیاسی آنها را بسیار بسیار کاهش داده است. و دیگر فقر مادی زنان است. این فقر مادی از آن جا ریشه دارد که زنان نمی توانند به مانند مردان به منابع اقتصادی دسترسی داشته باشند. در دهکده ها هنوز به زنان میراث نمی دهند. به سبب موجودیت سنت ها هنوز زنان نمیتوانند تجارت کنند. آنها در مواردی از خدمات صحتی یک سان با مردان برخوردار نیستند. این همه عوامل بر علاوه فقر معنوی سهم مشارکت های سیاسی زنان را در پروسه های اجتماعی، سیاسی پایین میآورد.

• سطح پایین مشارکت سیاسی

مشارکت زنان در سیاست، از اهمیت بزرگی برخوردار است. این امر سبب میشود تا آن ها در تدوین و تطبیق قوانین سهم داشته و حقوق مساوی زنان با مردان را در قوانین تضمین کنند. زنان در همه کشورهای های که نهاد های منتخب دارند، حق رأی دادن و احراز مقامهای سیاسی را کسب کرده اند. لیکن تعداد نماینده گان زن در مقامهای انتخابی و سایر مناصب دولتی هنوز فوق العاده اندک است. البته این امر ناشی از یک رشته عوامل است که ذیلاً به آن عوامل اشاره میشود:

موانع مشارکت سیاسی زنان را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف - موانع فردی

یکی از ویژه گی های فردی که در مشارکت سیاسی زنان ممانعت ایجاد می کند عدم باورمندی و اعتقاد درونی زنان به توانایی ها و قابلیت های خودشان است تعداد زیادی از بانوان جامعه ما به توان فردی و تاثیر گذاری خود باور ندارند. البته این امر خود ناشی از موجودیت نظام مرد سالاری در طول سده های دراز است که سبب

ایجاد یک چنین اندیشهء نادرست در میان زنان شده است. در حالی که زنان و مردان از نظر آفرینش با هم مساوی و برابر اند. حتی ما با زنانی بر میخوریم که فکر می کنند مثلاً چه فایده یی دارد که در فلان موضوع رأی بدهیم یا در فلان جلسه بحث روزانه شرکت کنیم یا در فلان تصمیم گیری اظهار نظر نماییم یا نه نماییم. چنین اندیشه یی نشان میدهد که هنوز زنان در کشور ما به قوت بزرگ سیاسی، اجتماعی خود، آگاهی ندارند.

ب - موانع اجتماعی

در جامعهء ما هنوز یک رشته باورداشت های وجود دارد که خود مانع مشارکت زنان در پروسه های اجتماعی، سیاسی می شود. هنوز در بسیاری خانواده ها به نظریات زنان اهمیت داده نمی شود. هنوز بسیاری ها فکر میکنند که زنان نباید در برون خانه کار کنند. آنها باید به تربیت کودکان پردازند. بسیار دیده شده است که شوهران پولدار زنان آموزش دیدهء خود را نمی گذارند که به کار در ادارات دولتی و یا غیر دولتی پردازند. آنها استدلال میکنند که همان پول را او خود می پردازد و یا نیاز به حقوق ماهوار زن ندارد. غیر از این نا امنی خود یک عامل باز دارندهء مشارکت زنان است. در بسیاری از ولایات زنان به سبب هراس از بی امنی نمی خواهند در ادارات دولتی کار کنند و در پروسه هاسهم بگیرند. البته تا زمانی که چنین عواملی از میان برداشته نشود. تا زمانی که زنان به خود آگاهی سیاسی و اجتماعی نرسند، نمیتوان انتظار داشت که میزان مشارکت های سیاسی، اجتماعی آنان بالا می رود.

زمانی که امکانات در اختیار کل جامعه قرار می گیرد باید همه از آن بهره ببرند، اگر محدودیتی در تخصیص امکانات و اعتبارات و محدودیتی در استخدام وجود دارد به همه افراد جامعه تعمیم داده شود و منحصر به جامعه زنان نباشد.

نا برابری در عرصه مشارکت سیاسی، تصمیم گیری ها و مدیریت های خورد و کلان، بخشی از نظام تبعیضی اجتماعی علیه زنان است. حضور فعال افراد اعم از زن و مرد، بر مبنای شایسته سالاری در قدرت پایدار است، ویژگی های خاصی جسمی، عاطفی و رفتاری هیچ گاه باعث تفاوت فکری، اداری بین زنان و مردان نبوده و نیست و نمی توان آنها ملاک محدودیت دانست در اسلام و جامعه یی که فرهنگ اسلامی دارد نه مرد سالاری می پذیرند و نه هم زن سالارا؛ بلکه شایسته سالاری مورد پذیرش است.

در یک نظام شایسته سالار زنان و مردان به گونه‌ای برابر امکان مشارکت در تمام سطوح جامعه را پیدامی کنند. برای آن که در چنین نظامی هر کس بر اساس تجربه، شایسته‌گی، لیاقت و دانش خویش در پروسه‌ها و برنامه‌ها امکان شرکت پیدا می‌کند، نه بر اساس جنسیت و دیگر معیارهای تبعیض آمیز.

• عدم مشارکت در امور اجتماعی

نابرابری زنان در فرصت‌های اجتماعی، از زوایای گوناگونی مورد بحث قرار گرفته است. آنچه دیدگاه‌ها را متمایز میکند نه بیان درد‌ها و کاستی‌ها؛ بلکه راهکارها و شیوه‌های حل این نابرابری‌ها می‌باشد.

میان زنان و مردان تفاوت‌های معنا داری از نظر برخورداری آنها از مطلوب‌های چون ثروت، قدرت، منزلت و اطلاعات وجود دارد. چنان‌که زنان در تقسیم بندی هرم قدرت در جامعه همواره ضعیف‌ترین حلقه بوده‌اند و در طول تاریخ سهم‌شان از قدرت اقتصادی و سیاسی بسیار کم بوده و حتی میتوان گفت که گاهی این برخورداری در سطح صفری آن قرار داشته است.

توزیع نابرابر منابع اجتماعی به سود مردان گاهی نقش اجتماعی افراد جامعه را به نقش مردانه و زنانه دسته‌بندی کرده و برای این نقش‌ها ارزشهای گوناگونی قایل شده است. بدون تردید در چنین موردی، همواره نقش زنانه به دیده کم‌نگریسته شده است. غیر از آن نابرابری در امکانات آموزشی نوع دیگری تبعیض اجتماعی را در میان زنان و مردان سبب می‌شود.

خشونت علیه زنان با تمام اختلافاتی که در باره مصادیق آن وجود دارد، از رایج‌ترین جرایم اجتماعی و از عریان‌ترین جلوه‌های اقتدار مرد سالاری است. در واقع خشونت بخشی از استراتژی مردان برای تحکیم سلطه و نهادینه کردن مرد سالاری است. در فرهنگ مرد سالاری، نیروی بدنی مرد ابزار اعمال قدرت است و زنان قربانیان مناسبی برای اعمال خشونت فیزیکی و روحی هستند.

• ضعف اقتصادی

گاهی خانواده‌ها به سبب اقتصاد ضعیف، فقر و بیچاره‌گی برای دختران خود اجازه نمیدهند تا مکتب بروند؛ بلکه می‌خواهند دختران آنها علاوه به کارهای روزمره در خانواده به دست‌دوئی و خیاطی و گلدوئی پرداخته و از آن مقدار پولی بدست آورند.

وابستگی هویت و موقعیت زنان از زوایای گوناگون به مردان واز جمله وابستگی اقتصادی بستر مناسبی برای ستم جنسی و اعمال محدودیت های متفاوت از سوی مردان تلقی میشود. علاوه بر دیگر موانع وابستگی اقتصادی زن به مرد خود یکی از عوامل بزرگ بازدارنده بی است که او را در تصمیم گیری های زنده گی مانند ازدواج، طلاق، ازدواج مجدد و کار نا توان می سازد. وابستگی اقتصادی زنان به مردان سبب میشود تا نظریات وخواست های مردان به آنها تحمیل شود در حالی که اگر زنان در جامعه دارای شغلی باشند ودرآمدی داشته باشند در آن صورت آنها میتوانند در برابر نظریات نادرست مردان مقابله کنند ودر تصمیمگیری های خانواده سهم داشته باشند. بنابراین تلاش زنان برای حضور بیشتر در عرصه اشتغال، علاوه بر دیگر تاثیرات اجتماعی، استقلال اقتصادی زنان را در پی خواهد داشت و استقلال اقتصادی و شخصیتی زن شاغل توازن سنتی خانواده را که به پایه اقتدار و سلطه مرد قرار دارد در هم میریزد، و بالاخره استقلال اقتصادی زیر بنای ضروری برای کسب سایر آزادی ها است.

• عدم امنیت

سه دههء جنگ بسیاری از بنیاد های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کشور را تخریب کرده است. یکی از عرصه های که در این جریان خسارهء چشمگیر دیده است، عرصهء معارف است. گذشته از اینکه هزاران مکتب در سراسر کشور تخریب و به آتش کشیده شد، شماری از آموزگاران یا کشته شدند، یا هم به زندان اندخته شدند، یا اینکه کشور را ترک کردند ویا هم به سبب مشکلات زنده گی و حقوق ماهوار کم، ناگزیر شغل معلمی را رها کردند و به کار های دیگری پرداختند. میلیون ها انسان این سر زمین به کشور های همسایه آواره شدند و کودکان آنها در شرایط آواره گی نتوانستند که به مکتب بروند. درسالهای حاکمیت طالبان معارف کشور اسفبارترین دوران خود را پشت سر گذاشت. دروازهء مکاتب و دانشگاه ها به روی دختران و زنان بسته شد و آنها کاملاً حق آموزش خود را از دست دادند. مکاتب پسران هم در این سالها کیفیتی نداشت. طالبان در نصاب تعلیمی تغییراتی آوردند. غیر از این به سبب بی امنیتی و به سبب جنگ ها در

شهرهای کشور بسیاری از خانواده‌ها نتوانستند که به دختران خود اجازه بدهند تا به مکتب بروند، بی‌امنی و جنگ ظرف سه دهه گذشته ضربه‌سنگینی به معارف کشور پدید آورده است که جهت رفع آن به ملیونها امغانی و سالها زحمت و کار ضرورت است.

• **عدم دسترسی به آموزش و پرورش**

مطابق قانون اساسی، حق آموزش حق همه گانی است و این حق تا سطح لیسانس برای هر جوان افغان میسر است. با این حال به سبب مشکلات محیطی، اقتصادی و رسمها و رواج‌ها این حق به صورت درست و خاصاً در مورد دختران تطبیق نمی‌شود. مثلاً در دهکده‌های شماری از ولسوالی‌های کشور یا مکاتب برای دختران وجود ندارد و با هم این مکاتب پس از تخریب دوباره آباد نشده‌اند. در شماری از مناطق دیگر به سبب دوری مکاتب خانواده‌ها به دختران شان اجازه نمی‌دهند که فاصله دوری را طی کنند و به مکتب بروند از همین سبب هم اکنون دختران بیشتر از پسران از حق آموزش محروم شده‌اند. یعنی دختران تنها در شهرها و مراکز ولسوالی‌های آرام امکان استفاده از حق آموزش را دارند. در جهت دیگر شماری از خانواده‌ها به تحصیلات عالی دختران علاقمند نیستند و به دختران شان اجازه نمی‌دهند که به دانشگاه بروند. ازدواج زود رس عامل دیگری است که مانع آموزش دختران می‌شود. شماری از خانواده‌ها دختران شان را در دوره لیسسه به شوهر می‌دهند و پس از ازدواج شوهران به زنان خود اجازه رفتن به مکتب نمی‌دهند. غیر از این هنوز در دهکده‌ها مردم به اهمیت آموزش آگاهی گسترده ندارند. در حالی که خداوند (ج) در قرآن کریم فرموده است: «برابر نیستند آنانی که می‌دانند با آنانیکه نمی‌دانند» یعنی یک انسان آموزش دیده با یک انسان بیسواد در نزد خداوند (ج) برابر نیست و به همین گونه پیغمبر اسلام (ص) می‌فرماید که: «طلب علم بر هر مسلمان فرض است» این هر مسلمان شامل مرد و زن است. جهالت منبع همه مشکلات است و علم کلید این همه مشکلات:

بیاید این کلید را در دسترس همه گان قرار دهیم.

• **رسوم و عنعنات نا پسند در رابطه به آموزش دختران**

با دریغ تا هنوز شماری عقیده دارند که چون پدرکلا نها و اجداد آنها مکتب نه خوانده اند پس آنها چرا مکتب بخوانند و یا اینکه فکر میکنند که اگر فرزندان آنها مکتب بخوانند نا فرمان به بار خواهند آمد چنین کسانی حتی آموزش برای دختران شان را اصلاً " ننگ و شرم میدانند و حتی به دختران شان اجازه پیرون رفتن از خانه را نمی دهند از بحثی که در ارتباط به نظام آموزشی کشور صورت گرفت میتوان این نتیجه را به دست آورد که افغانستان از سطح بالای بی سوادی برخوردار است. فیصدی بی سوادان به درستی روشن نیست با این حال این نکته روشن است که بی سوادی در میان زنان به سبب دسترسی کمتر آنها به آموزش، بیشتر است. در بعضی از گزارش ها میزان بی سوادی در میان زنان حدود ۷۵ تا ۷۸ در صد گفته شده است. البته میزان بی سوادی در میان مردان اندکی کمتر از این است.

فیصدی بالای بی سوادی در میان زنان خود نوع نا برابری اجتماعی را در میان آنها سبب شده است که هر نابرابری اجتماعی سبب فروپاشی عدالت اجتماعی می شود. بنابراین تأمین عدالت اجتماعی مشخصاً تأمین حقوق زنان باید تمام عوامل بازدارنده آن را در جامعه از میان بر داشت. البته این امر امکان نخواهد داشت تا اگر زنان خود خواستار تغییر وضعیت اجتماعی و سیاسی خود نشوند.

یاد داشت

در ختم دوره آموزشی آموزگار جهت ارزیابی کار خود و این که او چقدر توانسته است به هدف دوره آموزشی برسد بهتر است تا رشته پرسشهایی را به گونه زیرین مطرح کند:
او با طرح يك چنین پرسشهایی نه تنها میزان موفقیت خود، بلکه میزان آموزش اشتراك کننده گان را نیز ارزیابی میکند.

پرسشها

- مفاهیم حق و حقوق بشر و حقوق مدنی را تعریف نمایید؟
- مفاهیم نامزدی، ایجاب و قبول، ولی و ازدواج را تعریف نمایید؟
- شرایط وارکان ازدواج را نام ببرید؟
- حقوق اساسی زنان را از دیدگاه اسلام و قانون اساسی کشور بیان نمایید؟
- حقوق مدنی زنان را در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شرح دهید؟
- موانع و مشکلات عدم دست یابی به حقوق زنان را نام ببرید؟
- دلایل منطقی را برای دفاع از حقوق ارائه نمایید؟

یاد داشت:

- ۱- آموزگار باید نظریات و پیشنهاد های اشتراك کننده گان را جهت فراهم آوری رهنمای آموزشی برای آینده گرد آوری کند.
- ۲- آموزگار باید از اشتراك کننده گان پرسد که آنها چگونه می توانند آگاهی و اطلاعات به دست آورده خویش از این دوره آموزشی را در زنده گی روزمره تطبیق کنند.

منابع و سرچشمه ها:

- ۱- قانون اساسی افغانستان
- ۲- قانون مدنی افغانستان
- ۳- منابع الکترونیکی
- ۴- میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی